

نام و نام خانوادگی: سمیرا گیلکی

موضوع مقاله: نقش مادر در رشد اخلاقی فرزندان

چکیده:

مقاله حاضر نقش تربیتی مادر را در خانواده بررسی کرده است. سعی نویسنده در این مقاله پاسخ به این سوالات مهم و اساسی است که بیشترین نقش تربیتی خانواده بر عهده کیست؟ آیا می توان گفت که مادر مهم ترین نقش تربیتی را در خانواده دارد؟ و نیز آیا کسی دیگر می تواند جایگزین این نقش شود؟

نقش مادری، مهارتی است همراه با مبانی دقیق که در وجود زن نهاده شده که غفلت و اشتباه در آن موجب فساد و تباهی جامعه و مراقبت از آن، جامعه ای خیرخواه و متکامل پدید می آورد. مادری، فضیلتی ملکوتی است ناشی از عالم قدس که در وجود انسان خاکی تجلی می کند و در آن صداقت، مهر و صفا به عالی ترین درجه خود می رسد و در راه خیر و سعادت فرزند صرف می شود.

بر اساس تعالیم دینی، گرمی داشتن مقام مادران مایه ورود به بهشت است؛ چنان که خط مشی و کیفیت رفتار مادر در تربیت فرزند وارسته اهل بهشت، نقش تعیین کننده دارد و پاسخ گویی صحیح به نیازهای کودک، اساس و پایه تربیت او را تشکیل می دهد. وظیفه و کار مادر، دست کم از نخستین لحظه بارداری، شروع و تا پایان دوره اساسی تربیت ادامه دارد. مادر در این مدت مسئول پرورش جسمی، عقلی، عاطفی و اخلاقی فرزند است. بنابراین، مادر شدن مسئولیتی است در قبال خود، شوهر، فرزند، جامعه و پروردگار و در سایه این مسئولیت شخصیت های والای انسانی تربیت می شود. مادر است که مسئولیت پرورشی ویژه ای به عهده دارد که دیگران از آن محرومند و هیچ کس نمی تواند جایگزین نقش او باشد.

کلید واژه: نقش - مادر- تربیت - خانواده- جامعه - فرزند - مسئولیت

مقدمه :

این پژوهش به منظور بررسی رابطه سبک های فرزندپروری والدین با رشد اخلاقی نوجوانان براساس معماهای رشد اخلاقی کلبرگ طراحی و اجرا شده است. جامعه آماری پژوهش شامل کلیه نوجوانان مدارس راهنمایی پسرانه شهر شوش بود که از میان جامعه مذکور 200 نفر به عنوان شرکت کننده بصورت تصادفی چند مرحله ای انتخاب گردید. یافته های حاصل از پژوهش نشان داد میان سبک های فرزندپروری والدین و رشد اخلاقی نوجوانان رابطه معناداری وجود دارد. با توجه به نتایج بدست آمده به نظر می رسد برای ارتقای رشد اخلاقی فرزندان آموزش مهارت های فرزندپروری و آشنایی والدین با شیوه های فرزندپروری مقتدرانه می تواند مفید و سودمند باشد. شخصیت روانی و فرهنگی کودک تا قبل از 6 سالگی پایه ریزی می شود و انسان این

زمان را بیشتر در خانواده می گذارند.^۱ اثر خانواده فراتر از فرهنگ جامعه، دنیای کار، دوستان نزدیک و امثال آنهاست. رابطه والدین یا شیوه فرزندپروری، در گذر از اعمالی است که اهداف گوناگونی از قبیل تربیت اخلاقی و روانی، شناسایی رشد و پیشرفت استعدادهای فرزندان، آموزش مهارت ها، آشنا کردن با قوانین و هنجارهای جامعه را در برمی گیرد. در واقع فرزندان مثل همه انسان ها دارای شخصیت و هویت بوده و خود نیز سعی می کنند تا با مدل ها و سمبل هایی خود را هماهنگ کنند، یعنی هم مثل برخی اشخاص شوند و هم در نهایت دارای یک ویژگی منحصر به فرد باشند. به عبارتی خود را در دیگری حل کردن، یادگیری را در خود بوجود آوردن که با این فعالیت صاحب شخصیت یا هویت می شوند (تاپ، 1988). پژوهش ها نشان می دهد که رابطه تنگاتنگی بین آزادی و استبداد و چگونگی رشد اخلاقی فرزندان وجود دارد. بامریند به نقل از سیف (1368) با انجام پژوهشی درباره 150 کودک 4 ساله، والدین آنها را به سه گروه مختلف تقسیم می کند؛ گروه اول والدینی هستند که فرزندان خود را مجبور به اطاعت کورکورانه می کنند، این گروه فرزندان خود را محدود کرده، اختیار و آزادی کمتری به آنها می دهند و معتقدند که رفتار کودکان بایستی زیر نظر آنان باشد. در نتیجه ضوابط رفتاری آنها انعطاف پذیر نبوده و یک جانبه است، و گاهی اوقات برای اجرای همان ضوابط رفتاری، کودکان را تنبیه می کنند. گروه دوم والدینی هستند که با فرزندان خود با اقتدار رفتار کرده ولی بر عکس گروه اول معتقد به انعطاف پذیری در رفتارند. به فرزندان خود فرصت می دهند تا در صورت لزوم اعتراض کنند و تربیت خاصی را با دلیل به آنها تفهیم می کنند. گروه سوم والدینی هستند که نسبت به فرزندان تحمل پذیرند، اصطلاحاً سهل گیرند و در مقابل اعمال خلاف چشم پوشی می کنند. پژوهش ها نشان می دهد که فرزندان خانواده های قاطع اطمینان بخش بیش از سایر گروه ها در والدین خود تاثیر می گذارند.^۲ در مجموع رشد اخلاقی فرزندان با توجه به سبک فرزندپروری والدین یک مقوله با ارزش از نظر پژوهشی است و در این تحقیق سعی بر آن شده رابطه شیوه های فرزندپروری با رشد اخلاقی فرزندان مورد بررسی قرار گیرد. روش: جامعه آمار پژوهش حاضر شامل تمام مدارس راهنمایی پسرانه شهرستان شوش است که از میان این مدارس، دو مدرسه، و از هر مدرسه 100 نفر (مجموعاً 200 نفر) به عنوان شرکت کننده بصورت نمونه گیری تصادفی چند مرحله ای انتخاب گردید. یافته ها: یافته های پژوهش نشان داد میان سبک های فرزندپروری والدین و رشد اخلاقی نوجوانان رابطه معناداری وجود دارد. تنها نوجوانانی از سطح اول و دوم رشد اخلاقی فراتر می روند که والدین آنها دارای سبک فرزند پروری مقتدر باشند ثانیاً والدینی که دارای سبک فرزند پروری مستبد هستند رشد اخلاقی فرزندان آنان غالباً در مرحله اول از سطح یک (اجتناب از تنبیه) فرار دارند. ثالثاً والدینی که دارای سبک فرزندپروری سهل گیرانه هستند معمولاً فرزندان آنها از نظر رشد اخلاقی در مرحله دوم از سطح یک (پاداش و وسیله) قرار دارند.

بحث و نتیجه گیری: همانگونه که یافته های پژوهش نشان داد میان سبک های فرزند پروری والدین و رشد اخلاقی فرزندان آنها رابطه وجود دارد. در تبیین این نتایج می توان گفت روش های فرزند پروری، تربیت صمیمانه و بحث درباره مسائل اخلاقی، به درک اخلاقی در کودکان کمک می کنند نوجوانانی که والدین آنها با دلسوزی تمام گوش می کنند، سوالهای روشنتر می پرسند و آنها را با استدلال سطح عالی مواجه می سازند، در رشد اخلاقی پیشرفت زیادی می کنند.^۳ در مقابل نوجوانانی که

¹ (دادسون، 1972).

² (لوپس، 1981).

³ (پرات، اسکو و آرنولد، 2004، یات و کارلو، 2002)

والدین آنها موعظه می کنند از تهدیدها استفاده می کنند، یا اظهارات نیش دار بر زبان می آورند تغییر کمی کرده یا هیچ تغییری نمی کنند و در سطوح ابتدایی مراحل رشد اخلاقی متوقف می شوند.^۴

نقش مادر در خانواده و جامعه از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. مادران به عنوان اولین مربیان زندگی، تاثیر عمیقی بر شکل‌گیری شخصیت و اخلاق فرزندان دارند. در این مقاله، به بررسی نقش ارتباط عاطفی میان مادر و فرزند در رشد اخلاقی کودک پرداخته می‌شود. این مطلب با استفاده از نظریه‌های روانشناسی رشد، مطالعات بالینی و تجربی سعی دارد روابط بین مادر و فرزند را به عنوان یک محور کلیدی در اخلاق‌ورزی کودکان تحلیل کند و نکته‌هایی عملی برای تقویت این ارتباط ارائه دهد. هدف اصلی این نگارش پیمایش عمیق و گسترده‌ای از فرآیندهای عاطفی، تعاملات روزمره و پیام‌های ارزشی است که از طریق ارتباط مادر-فرزند منتقل می‌شود و به توسعه هویت اخلاقی، درک ارزش‌ها و رفتارهای اجتماعی منجر می‌شود.

اهمیت و ضرورت

از آنجایی که تمامی جوامع بشری نیازمند افرادی هستند که به وسیله ی آنان بتوانند خود را رشد دهند و جامعه را دگرگون و بازسازی کنند؛ کسانی می‌توانند جامعه را رشد دهند که از رشد اخلاقی برخوردار باشند که از جمله مهمترین این گروه جوانان می‌باشند و از آنجایی که جوانان آینده سازان مملکت هستند وسعادت و شقاوت جامعه به دست اینان است، لذا نیاز به تربیت صحیحی دارند که از منبع علم لایزال الهی فراهم آمده باشند و کسی که بیشترین نقش را در این زمینه می‌تواند داشته باشد، مادران می‌باشند و تمام رفتارهای مادران را الگوی خود قرار می‌دهند.

رشد اخلاقی در طول قرن ها از مهم‌ترین مسائل اجتماعی مورد توجه بوده نظریه پردازان بزرگ اوایل قرن بیستم اخلاق را وسیله ای برای رشد اجتماعی به حساب آورده آمد مطابق نظر مک دوگال^۵ رشد اخلاقی از مسائل عمده روانشناسی اجتماعی است. از نظر فروید^۶ احساس گناه مهمترین مسئله اجتماعی است.

اولین تحقیقات روانشناسی در رشد اخلاق در سالهای ۱۹۲۸-۱۹۳۰ به وسیله دو روانشناس به نام های هارتشورن و می، انجام گرفت و پس از آن تحقیقات پیاژه در رشد اخلاق در سالهای ۱۹۳۲ در کتابی به نام داوری های اخلاقی کودکان منتشر شد. سپس روانشناس دیگری به نام لارنس کلبِرگ از حدود سال ۱۹۴۹ تاکنون در این زمینه مطالعات گسترده ای انجام داده است.

نظریه رشد اخلاقی کلبِرگ نظریه ای است که بر چگونگی رشد اخلاق و استدلال اخلاقی کودکان تمرکز دارد. نظریه کلبِرگ پیشنهاد می کند که رشد اخلاقی در یک سری از شش مرحله رخ می دهد. این نظریه همچنین پیشنهاد می کند که منطق اخلاقی اساساً بر عدالت جویی و حفظ آن متمرکز است.

^۴ (واکر، تیلور، 1991).

^۵ (۱۹۲۸)

^۶ (۱۹۳۰)

لورنس کلبِرگ^۷، به اخلاق به عنوان یکی از عوامل مهم رشد شناختی - روانی انسان نگریسته است. نظریه کلبِرگ بیشتر قضاوت و استدلال فرد را در یک مسأله اخلاقی مورد توجه قرار داده است. او معتقد است که قبل از تصمیم و رفتار اخلاقی، فرد باید مسأله را تجزیه تحلیل کند و قضاوت نماید که چه چیز درست و اخلاقی و چه چیز نادرست و غیر اخلاقی است.

کلبِرگ با بررسی و تحقیق فراوان، دریافت که استدلال اخلاقی افراد بسته به رشد اخلاقی شان متفاوت است. طبق نظر او تفکر اخلاقی طی مراحل و سطوح مختلفی رشد می کند. از نظر کلبِرگ روند رشد اخلاقی از سه سطح پیش قرار دادی (یا عرفی)، متعارف یا قراردادی و پس قرار دادی (عرفی) تشکیل شده است. هر سطح دارای دو مرحله است؛ پس در مجموع 6 مرحله رشد اخلاقی وجود دارد. رشد اخلاقی پله پله است و هر کسی باید برای رسیدن به مرحله 6 همه مراحل را طی نماید.

البته این رشد پا به پای رشد روانی- شناختی افراد از سنین کودکی آغاز می شود؛ ولی با افزایش سن بسیاری افراد تا پایان عمر در همان مراحل یک یا دو باقی می مانند. جهش از مرحله یک مثلاً به مرحله سه هم امکان ندارد.

کلبِرگ در تحقیقاتش، افراد را در مقابل یک وضعیت تصویری قرار می داد به عنوان نمونه به آنها می گفت که مردی جان زنش در خطر است و فقط خرید یک دارو جان زن را نجات می دهد. مرد پول کافی ندارد و کسی هم به او قرض نمی دهد، تنها راه نجات همسر دزدیدن دارو است. آیا دزدیدن دارو در چنین شرایطی جایز است یا خیر؟ در این نظریه جواب بله یا خیر، مرحله و سطح رشد اخلاقی افراد را تعیین نمی کند بلکه استدلال پشت آن مهم است. دلایل یا قضاوت افراد برای اخلاقی یا غیر اخلاقی شمردن یک رفتار برای کلبِرگ حائز اهمیت بود.

در سالهای اخیر، نظریه کلبِرگ به عنوان غرب محور بودن با سوگیری نسبت به مردان (او عمدتاً از موضوعات تحقیقاتی مردانه استفاده می کرد) و با داشتن یک جهان بینی محدود مبتنی بر سیستم های ارزشی و دیدگاه های طبقه متوسط بالا مورد انتقاد قرار گرفته است.

اخلاق به مجموعه استانداردهایی اطلاق می شود که افراد را قادر می سازد تا به صورت گروهی با هم زندگی کنند. این چیزی است که جوامع به عنوان «درست» و «قابل قبول» تعیین می کنند. خلاق هر جامعه ای که مردمش به طور عملی و از درون، پایبند اخلاق باشند و رشد اخلاقی داشته باشند، نه اینکه در حرف پایبند باشند یا به اجبار بیرون، جامعه خوشبخت تری خواهد بود. زیرا در تعریف عام اخلاق؛ رفتار اخلاقی به خود و دیگران سود رسانده و از ضرر زیان خود یا دیگران ممانعت می کند. اما چه کاری اخلاقی و چه رفتاری غیر اخلاقی است؟ تعریف عمومی این است: رفتاری غیر اخلاقی است که موجب ضرر و آسیب خود یا دیگران شود و یا مانع کمک به دیگران گردد و رفتاری اخلاقی است که به دیگران کمک کند یا مانع آسیب خود یا دیگران شود.

رشد اخلاقی از منظر اسلام معنای عمیق و گسترده و جایگاهی والا و ارزشمند دارد. است و هدف اسلام این است «رشد و تربیت اخلاقی» رشد و تربیت از دیدگاه اسلام که انسان را به جایگاه اخلاقی و ارزشی او برساند (

۳. والدین از این طریق به شخصیت کودک لطمه می‌زنند، کودکی که با بی صداقتی، تزویر و دروغ با او رفتار شده، احساس می‌کند ارزش او همان است؛ زیرا اگر ارزش، احترام و شخصیت داشت این گونه با او برخورد نمی‌شد.

الگوی صحیح تربیت این است که:

1- پدر و مادر این سه صفت صداقت و صراحت و صمیمیت را دارا باشند؛

2- نباید مادر صمیمی و پدر فقط مستبد باشد؛

4- والدین در عین صمیمیت، به صراحت امر و نهی کنند؛

5- والدین قانون بگذارند و صریح بگویند و عمل به آن را، جدی بخواهند.

نقش مادر در آموزش ارزش‌ها و اصول اخلاقی

مادران از طریق رفتارهای خود و آموزش‌های غیرمستقیم، ارزش‌های اخلاقی را به فرزندان آموزش می‌دهند. این ارزش‌ها شامل صداقت، همدلی، مسئولیت‌پذیری، عدالت‌خواهی و احترام به دیگران می‌شود.

آموزش ارزش‌ها از طریق نمونه‌سازی: کودکان از رفتارهای روزمره مادر تقلید می‌کنند؛ به عنوان مثال چگونه به اشتباه خود اعتراف کنیم یا چگونه با افراد با تفاوت‌ها برخورد کنیم.

گفت‌وگوهای ارزشی منظم با فرزند، فرصت‌های آموزشی فراهم می‌کند تا کودک بتواند درباره تصمیمات اخلاقی خود بحث کند، اشتباهاتش را بازبینی کند و راه‌حل‌های بهتر بیابد.

تقویت اصول اخلاقی از طریق تشویق رفتارهای با معنای اخلاقی در قالب وظایف خانوادگی، کمک به دیگران و مشارکت در امور جمعی.

استفاده از داستان‌ها، مثال‌های تاریخی و روایات اخلاقی برای به‌خاطر سپردن ارزش‌ها و ایجاد چارچوب معنایی برای تصمیم‌گیری‌های اخلاقی.

نقش بازی و فعالیت‌های مشترک

بازی و فعالیت‌های مشترک می‌تواند به تقویت ارتباط عاطفی و رشد اجتماعی و اخلاقی فرزندان کمک کند.

بازی‌های تعاملی که نیازمند دویدن، حل مسئله یا بحث درباره رفتار و پیامدها هستند، می‌توانند مهارت‌های تصمیم‌گیری اخلاقی را تقویت کنند.

نمایش‌های نقش^{۶۸} درباره موقعیت‌های اخلاقی در محیط‌های خانوادگی یا اجتماعی، به کودک فرصت می‌دهد تا با دیدگاه‌های مختلف آشنا شود و از طریق تمرین، پاسخ‌های مناسب اخلاقی بیابد.

فعالیت‌های داوطلبانه خانوادگی یا مشارکت در کمک به دیگران، ارزش‌های همدلی و مسئولیت اجتماعی را تقویت می‌کند و تجربه عملی از همکاری و خدمت به جامعه را فراهم می‌کند.

بازی‌های همدلانه مانند قصه‌گویی درباره احساسات دیگران، به کودک می‌آموزد چگونه به دیگران توجه کند، همدلی کند و به احساساتشان پاسخ دهد.

نتیجه‌گیری

نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که ارتباط عاطفی مادر با فرزند، عاملی کلیدی در رشد اخلاقی اوست. توجه به این رابطه و ارتقای آن می‌تواند به شکل‌گیری شخصیت‌های بااخلاق و مسئول در آینده کمک کند. بهبود و تقویت ارتباط عاطفی با فرزند می‌تواند از طریق راهبردهای زیر حاصل شود:

فراهم کردن محیطی امن، پذیرنده و پاسخگو برای فرزند

توضیح رفتارها و دلایل اخلاقی پشت آن‌ها به صورت روشن و قابل فهم

ایجاد و مدیریت فرصت‌های مشترک برای بازی، گفتگو و تجربه‌های آموزشی اخلاقی

تنظیم سبک فرزندپروری با توجه به نیازهای رشدی و ویژگی‌های فردی فرزند

تشویق به فعالیت‌های داوطلبانه و تعامل اجتماعی برای تقویت همدلی و احساس مسئولیت

سوالاتی برای مادران جهت تقویت ارتباط عاطفی با فرزندان ممکن است شامل این موارد باشد:

چگونه می‌توانیم ارتباط عاطفی خود را تقویت کنیم؟

چه فعالیت‌هایی می‌تواند به تقویت این ارتباط کمک کند؟

چگونه به فرزندان خود اجازه بدهیم تا با ما درباره احساساتشان صحبت کنند؟

چه راهکارهایی وجود دارد تا در مواجهه با رفتارهای چالش‌برانگیز، ارتباط ما با فرزند حفظ شود و به اخلاقی بودن رفتار او کمک شود؟

چگونه می‌توانیم با فرزندان درباره ارزش‌های اخلاقی به صورت تعاملی و با بازخورد مثبت گفت‌وگو کنیم؟

ضمائم و توصیه‌های اجرایی

نمونه‌های عملی برای تقویت ارتباط عاطفی:

ایجاد زمان‌های منظم بدون مزاحمت برای گفت‌وگو با فرزند، مثلاً در هنگام شام یا پیاده‌روی کوتاه.

استفاده از زبان آرام، نگاه مستقیم و بازخوردهای مثبت برای تشویق فرزند به ابراز احساسات خود.

پرسیدن سوالات باز درباره احساسات، نیازها و نگرانی‌های فرزند، به جای پرسش‌های بله-خیر.

پیروی از روال‌های روزانه که احساس امنیت و ثبات را تقویت می‌کند.

راهبردهای آموزش ارزش‌ها:

به صورت روزانه با فرزند درباره رفتارهای اخلاقی صحبت کنید، دلایل اخلاقی پشت هر رفتار را توضیح دهید.

از هر فرصت روزمره برای تمرین همدلی و مسئولیت‌پذیری استفاده کنید (کمک به همسایه، همکاری در خانه).

از مثال‌های تاریخی، ادبی یا فرهنگی برای توضیح مفاهیم اخلاقی بهره ببرید و به فرزند فرصت بدهید تا دیدگاه‌های مختلف را بررسی کند.

گسترش فعالیت‌های مشترک:

برنامه‌ریزی برای بازی‌های گروهی که همزمان مهارت‌های اجتماعی و اخلاقی را تقویت می‌کنند.

طرح پروژه‌های خانوادگی داوطلبانه برای توسعه حس مسئولیت و همکاری.

ایجاد جلسات داستان‌خوانی با بحث درباره ارزش‌های اخلاقی و احساسات شخصیت‌های داستان‌ها.

نقشه راه برای پژوهش و عمل

مطالعه و یادداشت دقیق از پیشرفت عاطفی و اخلاقی فرزند در بازه‌های زمانی مختلف.

تنظیم مشاوره خانوادگی برای بهبود ارتباط و راهبردهای تربیتی در صورت وجود چالش‌های عاطفی یا اخلاقی.

جمع‌آوری بازخورد از فرزند درباره اینکه کدام روش‌های ارتباطی برای او مفیدتر است و چگونه احساس او را بهتر درک می‌کنیم.

منابع

- ۱- حسینی نژاد، سیدمجتبی، نقش مادر در تربیت دینی فرزندان، ۱۳۵۹
- ۲- حسینی نژاد، سیدمجتبی، تربیت دینی فرزندان، ۱۳۵۹
- ۳- محدثی، جواد، تربیت دینی فرزندان، ۱۳۳۱
- ۴- خامنه ای، علی، رهبر جمهوری اسلامی ایران، زن و خانواده، ۱۳۱۸
- ۵- حبیب الله، فرحزاد، تربیت فرزند، ۱۳۹۵
- ۶- اسماعیلی یزدی، عباس، فرهنگ تربیت، ۱۳۳۲
- ۷- سیفی دیوکلانی، معصومه، تربیت اخلاقی مخاطب، کد ۲۰۲۹
- ۸- فرهادیان رضا، خانواده چ تحول در تربیت، ۱۳۲۷

- ۹- حسینی نژاد، سیدمجتبی، نقش مادر در هفته دختران، ۱۳۶۰
- ۱۰- بیرانوند، محمد، دست بچتو بگیر، ۱۳۵۶
- ۱۱- زارعیان، حسن، مهارت‌های تربیتی
- ۱۲- محمدبن یعقوب کلینی، اصول کافی، جلد ۲
- ۱۳- فاطمه رمضانی، مسعود حیدری، تربیت اجتماعی کودک بر اساس قرآن و نهج البلاغه
- ۱۴- احمد بهشتی، اسلام و تربیت کودک
- ۱۵- محمد یعقوبی، معجزه ارتباط با فرزند با زبان ساده
- ۱۶- سید علی حسینی زاده، تربیت فرزند، ۱۳۸۸
- ۱۷- محمد قطب، روش تربیتی اسلام، ۱۳۷۴
- ۱۸- روانشناسی رشد